



۲۰۱۳/۰۲/۰۴

داکتر عبدالرحمن زمانی

## سرگذشت مرحوم سیدشمس الدین خان مجروح و مطالب چندی پیرامون حوادث ذکر شده در آن

(قسمت سوم و آخری)

در قسمت گذشته راجع به علل نا آرامی های کنگر در عهد امانی که در سرگذشت مرحوم سید شمس الدین خان مجروح به آن اشاره شده بود، صحبت مختصری داشتیم و در آن از اهمیت خاص سوق الجیشی کنگر، تلاش های انگلیس ها برای داشتن لانه های جاسوسی و نفوذ درین دره حساس مجاور مناطق سرحدی آزاد، نقش عبدالواحد شینواری یا مستر وید استرالیایی (جاسوس و یکی از مهره های مهم توطئه های انگلیس)، توطئه های سردار محمد هاشم خان، مخالفت و تخریب روحانیون متنذی که گویا بنا بر «شهرت غازی امان الله خان به بی دینی» با رژیم او مخالفت نموده و مخفیانه در خرابی اوضاع کنگر میکوشیدند، و بلاخره اینکه چرا غازی میرزمان خان کنگری خار چشم انگلیس ها تلقی شده و در محراق توجه توطئه های انگلیس و عمال داخلی آن در کنگر قرار گرفت، مختصراً یادآوری نمودیم. درین قسمت میخواهم در رابطه با شهادت غازی میرزمان خان کنگری که در صفحات ۴۴ تا ۵۲ سرگذشت مرحوم سید شمس الدین خان مجروح به آن اشاره شده است، مطالب و اسناد چندی را خدمت هموطنان عزیز و علاقمندان تاریخ دوره امانی تقدیم کنم.

### رویداد های قیل از شهادت غازی میرزمان خان کنگری

غازی میرزمان خان کنگری یکی از معدود کسانی بود که تا آخر عمر به غازی امان الله خان وفادار ماند و از پروگرامهای تجدید و پیشرفت شان پشتیبانی نمود. او که به پاس خدمات و جانفشانی هایش در راه آزادی، دفاع از تمامیت ارضی، و تأمین امنیت کشور موفق به اخذ چهار مدال "لوی خان"، "وفا"، "صداقت" و "خدمت" شده بود، در زمستان سال ۱۳۰۷ (جنوری ۱۹۲۹ میلادی) حین تلاش های تاریخی اش برای تحکیم پایه های رژیم امانی در یک دسیسه انگلیس ها و عمال داخلی شان، در مسجد "شینکورک" کنگر، حین ادای نماز خفتن مورد حمله ناجوانمردانه قرار گرفت و جام شهادت نوشید.

### توطئه جدید علیه غازی میرزمان خان

بعد از ناکامی کوشش نصب کردن واحد شینواری و ایجاد یک لانه جاسوسی انگلیس ها در کنگر و بعد از آنکه تلاش های ایجاد دشمنی های قومی، پیشکش رشوه و امتیازات بیشمار مادی و بلاخره اقدامات ترور غازی میرزمان خان به نتیجه نرسید، حربه دیگری که از آن استفاده شد، ایجاد بدگمانی و رنجش بین اعلیحضرت امان الله خان و غازی میرزمان خان بود. اینبار توطئه توسط عمالی در داخل دربار پیاده شد. توطئه چیان با نشان دادن نامه هائی جعلی به شاه گفتند که گویا میرزمان خان کنگری قصد کشتن وی را دارد. کامیابی این توطئه باعث آزرگی شدید میرزمان خان شد. او برای مدت تقریباً یک و نیم سال در منزلش واقع بنی حصار کابل گوشه نشینی اختیار کرد و از رفتن به دربار و شرکت در شورای دولت خودداری کرد.

شاه بعد از برگشت از مسافرت طولانی اروپا، روزی بعد از شکار در جهیل قلعه بنی حصار با همراهانش به قلعه میرزمان خان رفت و ضمن دلجوئی به وی گفت که دشمنان، دوستان من و خدمتگاران وطن را از من جدا ساختند. من حالا دوستان و دشمنان حقیقی خود را شناخته ام.

### تلاش برای آرام ساختن شورش شینوار

اعلیحضرت امان الله خان بتاريخ اول ماه قوس ۱۳۰۷ (مطابق با ۲۲ نومبر ۱۹۲۸) وزیر حربیه عبدالعزیز خان را به منزل غازی میرزمان خان فرستاد و از او خواست تا فردا به ارگ آمده و برای شرکت در تلاش های آرام ساختن بغاوت شینوار به ننگرهار برود. نویسنده و محقق شناخته شده افغان آقای حبیب الله رفیع در مقدمه کتاب جبهه چهارم استقلال (اثر شادروان عبدالخالق اخلاص) به حواله جریده امان افغان، شماره فوق العاده سوم روزهای اغتشاش

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

(مؤرخ ۴ قوس ۱۳۰۷) مینویسد که «بتاریخ چهارم قوس از یکطرف میرزمان خان روانه جلال آباد شد، و از طرف دیگر لشکر دوهزارنفری مردم کمر توسط پسرش به جلال آباد آورده شد.» (۱)

خانم ریه تالی ستیوارت در اثر معروف خود Fire in Afghanistan (آتش در افغانستان، ص ۴۲۲) مینویسد که «امان الله خان، میرزمان خان رهبر قومی کمر را، که همواره به او وفادار بود، به امید اینکه نفوذشان هم مانند تفنگ های شان مؤثر ثابت شوند، به جلال آباد فرستاد.»

با رسیدن غازی میرزمان خان به «میمله» قوای عسکری جنرال عبدالوکیل خان نورستانی توسط شورشیان شینوار و خوگیانی شکست خورده و خود عبدالوکیل خان هم توسط ملک قیس خوگیانی زنده برده شده بود. با رسیدن میرزمان خان به جلال آباد اوضاع خیلی بحرانی و شکست قوای «میمله» روحیه شورشیان را بسیار قوی ساخته بود. میرزمان خان بعد از تنظیم قوای قومی و گرفتن ترتیبات دفاع از شهر، در حالیکه برای مدت سی و دو (۳۲) ساعت بصورت دوامدار بارش میبارید، برای عقب راندن شورشیان حدود سه میل خارج از «دروازه هده» به جنگ پرداخت. (۲)

بتاریخ ۱۳ ماه قوس (۴ دسمبر ۱۹۲۸) هم یک جرگه سران اقوام مهمند، خوگیانی و ابریدی بریاست غلام صدیق خان چرخ، وزیر خارجه، تشکیل شد و این جرگه حمایت خود را از دولت اعلام کرد. ملک های مهمند نیز به غازی میرزمان خان از حرکت افراد خود اطلاع دادند. به تعقیب آن لشکر قومی مهمند تحت رهبری غازی محصل خان و بادام خان حفاظت دروازه «هده» را به عهده گرفتند. (۳)

### کارشکنی های والی علی احمد خان در خاموش ساختن بغاوت شینوار

والی علی احمد خان بتاریخ ۱۲ ماه قوس (۳ دسمبر ۱۹۲۸) بحیث رئیس تنظیمیه نظامی و ملکی ننگرهار تعیین و عازم جلال آباد شد. یک راپور محرمانه اسناد آرشیف هند بریتانوی ضمن دادن این خبر علاوه میکند که برفباری تازه و فقدان ترانسپورت سبب تأخیر حرکت علی احمد خان، والی سابق کابل که حالا بحیث امر نظامی و ملکی سمت مشرقی تعیین شده است، گردیده است.

TELEGRAM R., FROM CHIEF COMMISSIONER, NORTH-WEST FRONTIER PROVINCE, PESHAWAR, No. 565-P., DATED (AND RECEIVED) THE 6TH DECEMBER 1928.

(Repeated Kabul.)

Priority. Shinwari disturbance. Fighting was still progressing at Jalalabad on 4th and 5th. During the past two nights aeroplanes are said to have bombed Shinwari villages causing 15 casualties in Kot Darra. Foreign Minister according to one report is now in Kama. Some reports indicate that Chaknawar Mullah and Mir Zaman Khan Kunar are succeeding in bringing in the Mohmands on the King's side. There has been no motor traffic on road, and Dakka asked that to-day's caravan should be stopped at Lardi Kotal.

TELEGRAM R., FROM NORTH-WEST FRONTIER, PESHAWAR, DATED THE 6TH (RECEIVED 7TH) DECEMBER 1928.

(Repeated Kabul.)

Priority. Shinwari disturbance. On 5th Shinwaris trying to undermine wall of Jalalabad town were attacked by Mir Zaman Khan Kunar and his Alijaris. They counter-attacked and captured his son whom they shot. The rebels have diverted water of town, but have informed inhabitants that their efforts are directed only against servants and property of Afghan Government. Khugianis of Gandamak are holding Kabul road to prevent assistance reaching Jalalabad, and big bridge there has been destroyed. Ghulam Sadiq held jirga Goshta on 5th. Present position of Mohmands is that Khoda Khei

د پانو شمیره: له ۲ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

دو سند از آرشیف اسناد محرمانه هند بریتانوی در موزیم لندن راجع به

پیشرفت های میرزمان خان کنری در مقابله با اغتشاش شینوار

در رابطه با اغتشاش شینوار از دو سند محرمانه فوق آرشیف هند بریتانوی معلوم میشود که قبل از رسیدن والی علی احمد خان به جلال آباد قوای غازی میرزمان خان موفقیت و پیشرفت های خوبی داشت. در سند اول (تلگرام مؤرخ ۶ دسمبر ۱۹۲۸ کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی) میخوانیم «...و میرزمان خان کنر موفق شدند مهمند ها را بطرف شاه جلب کنند». در تلگرام دومی میخوانیم که «بتاریخ پنجم [دسمبر] شینواری هائیکه میکوشیدند دیوار شهر جلال آباد را تخریب کنند، مورد حمله میرزمان خان کنری و لشکر یله جاری هایش قرار گرفت».

(لودویک آدمک محقق امریکائی در کتاب «The A to Z of Afghan Wars, Revolutions and Insurgencies» یا الف تا یای جنگ ها، انقلابات و اغتشاشات افغانستان (ص ۵۴) راجع به لشکر قومی یا یله جاری هامینویسد که آنها افراد رضاکار ذخیره اردوی افغان میباشند که از بین مردم استخدام میشوند. همه افغان ها دارای استعداد نهانی سربازی میباشند، و در وقت ضرورت عاجل، ملک ها و رهبران در سراسر کشور تعداد مشخصی ازین سربازان را جمع آوری میکنند.)

شاغاسی علی احمدخان یک شخص جاه طلب و از مدت ها قبل آرزوی سلطنت را در سر میپرورانید. کار شکنی های او که توسط غازی امان الله خان با اختیارات تام به سمت مشرقی فرستاده شده بود، در پهلوی عوامل دیگر یکی از عوامل عمده ناکامی تلاش های رژیم امانی در خاموش ساختن آتش اغتشاش شینوار بحساب میرود. خوانندگان محترم میتوانند تفصیل جریان کارشکنی های والی علی احمدخان، افشای نقشه جنگی غازی میرزمان خان و مخالفت با او را که به محاصره فرقه عسکری ننگرهار، سوختاندن قصر سراج العمارت و تعمیر باغ کوکب و بلاخره برآمدن غازی میرزمان خان از جلال آباد انجامید، در اثر مرحوم عبدالخالق اخلاص که با مقدمه، پاورقی ها و ضمائم استاد حبیب الله رفیع بمناسبت پنجاهمین سالگرد وفات اعلیحضرت غازی امان الله خان غازی، اینبار تحت نام «استقلال امانیه» توسط مؤسسه انتشارات کتب بیهقی در مطبوعه آزادی کابل بنشر رسیده است، مطالعه کنند.

علی احمد خان بتاریخ ۳۰ دسمبر ۱۹۲۸ هنگامیکه لشکر اغتشاشیون شینوار در هده و اغتشاشیون خوگیانی در چهارباغ و سلطانپور بودند، با رهبران شورشی شینوار، خوگیانی و سرخ رودی در چهارباغ ملاقات نمود. علی احمد خان به آنها گفت «بشرطی که او را به پادشاهی بپذیرند، و خزانه دولتی را از او نگیرند، دروازه های جلال آباد را بروی شان باز خواهد کرد و اسلحه و مهمات دولتی را بین این سه قوم تقسیم خواهد کرد». به اساس راپور محرمانه کمیشنر عمومی انگلیس ها در پشاور «رهبران شورشی موافقت کردند و او بعد از آن به همراهی محمد علم خان و رهبران دیگر شورشی ذریعه موثر به جلال آباد برگشت.» (۴)

### اعلان پادشاهی والی احمد خان

گرچه مراسم دستاربندی علی احمد خان بحیث امیر جدید افغانستان بعد از استعفا و رفتن غازی امان الله خان به قندهار انجام یافت، اما فعالیت ها و تلاش های او برای امارت افغانستان و گرفتن بیعت از مأمورین دولتی و صاحب منصبان اردوی ننگرهار از قبل آغاز شده بود. او درین زمینه با غازی میرزمان خان هم صحبت نموده و خواهان حمایت او شد. مگر غازی میرزمان خان به او گفت که میخواهد اول با سران قبایل مهمند و لشکر قومی کنر در باره جرگه و مشوره نماید. غازی میرزمان خان که قبلاً هم بتاریخ ۲ جدی ۱۳۰۷ از اوضاع ننگرهار و کارشکنی ها به اعلیحضرت امان الله خان شکایت کرده بود، در جرگه سران قبایل عیسی خیل و کوداخلیل مهمند از خیانت والی علی احمد خان به شاه اطلاع داده و گفت که خودم هیچوقت پادشاهی علی احمد خان را قبول نخواهم کرد، اما شما اختیار دارید. جرگه نیز از تصمیم او پشتیبانی نمود. وی قبل از شام کلید های شهر جلال آباد را به کوتوال (قوماندان امانیه) تسلیم نموده، لشکر کنری ها را مرخص نمود تا به خانه هایشان برگردند. او تصمیم گرفت تا به همراهی لشکر مهمند به کنر رفته و در آن جا پلان حمایت از غازی امان الله خان را تهیه کند.

والی علی احمد خان با گرفتن اطلاع برآمدن قوای میرزمان خان از شهر، به فرقه امر نمود تا آنها را که به منطقه بهسود رسیده بودند، تحت آتش توپخانه قرار دهند. خود میرزمان خان با سران قوم مهمند از راه خوش گنبد توسط جاله (کشتی که از مشک های بادشده ساخته شده) از دریا عبور نموده و از راه کنر خاص به سرکانی رفت. (۵)

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

قابل یادآوریست که علی احمدخان بعد از مراسم دستاربندی اش توسط نقیب صاحب، بتاريخ ۲۰ جنوری، لشکری را که اکثریت شانرا شورشیان مخالف غازی امان الله خان تشکیل میداد، برای گرفتن کابل آماده میساخت. اما انگلیس ها باوجود سوابق همکاری و خدمات علی احمدخان او را بحیث پادشاه افغانستان نتنها قبول نداشتند، بلکه طوری که بعداً معلوم شد، با وی برخورد ناجوانمردانه و خشن نیز نمودند.

**شهادت غازی میرزمان خان کنری بخشی از دسیسه بزرگ انگلیس ها علیه غازی امان الله خان**  
دست داشتن و نقش انگلیس ها در توطئه ها علیه رژیم امانی و راه انداختن شورش ها در افغانستان پوشیده نیست. خوانندگان محترم برای معلومات بیشتر درین باره میتوانند به کتاب «بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس» مراجعه کنند. این کتاب درین اواخر توسط مؤسسه انتشارات مسکا در شعبه تخنیکي انتشارات کتب مومند در ننگرهار بچاپ رسیده است.

TELEGRAM R, FROM CHIEF COMMISSIONER, NORTH-WEST FRONTIER PROVINCE, PESHAWAR, No. 38-C, DATED THE 13TH (RECEIVED 13TH) DECEMBER 1928.

(Repeated Kabul.)

**Priority** Shinwari disturbance. In spite of the truce the Shinwaris are said to be preparing scaling ladders for Jalalabad, and to be stirring up factions hostile to Mir Zaman in Kunar to come in on their side. No through traffic passed between Dakka and Jalalabad on 11th December. The

در سند فوق که در آرشیف اسناد مربوط به هند بریتانوی موزیم لندن موجود است، بمشاهده میرسد که در دوران اغتشاش شینوار سعی میشد تا دسته های متخاصم با میرزمان خان کنری نیز از شورشیان شینواری طرفداری کنند.

قبلاً از رفتن غازی میرزمان خان به کنر و طرح پلان حمایت از اعلیحضرت غازی امان الله خان یادآور شدیم. انگلیس ها اوضاع پر آشوب ننگرهار و تمام حرکات غازی میرزمان خان کنری را تحت نظر داشتند. در یک سند محرمانه آرشیف انگلستان به امضای آر. آر. مکونچی، نماینده سیاسی انگلیس ها در ایجنسی کرم راجع به اوضاع جلال آباد و ولایت مشرقی ذکر شده است که «نخست، وزیر خارجه غلام صدیق خان [چرخي]، و شیر احمد خان رئیس شورا، و محمود جان یاور اعلیحضرت، و میرزمان خان کنری فرستاده شدند تا مسائل را حل و آشوب را فروشانند. شورشیان با محمود جان در میله بدرقتاری کردند و او فعلاً در جگدک میباید. شیراحمدخان و غلام صدیق خان به کابل برگشتند. میرزمان خان موفق نشد و به کنر برگشت.»

In regard to Jalalabad and the Eastern Province it was heard that first the Foreign Minister, Ghulam Sadiq Khan, and the President of the Assembly Sher Ahmad Khan, and His Majesty's Yawar, Mahmud Jan, and Mir Zaman Khan of Kunar had been sent to put matters right and suppress the disturbance. The rebels treated Mahmud Jan very badly at Nimla, and he is at this time at Jagdalak. Sher Ahmad Khan and Ghulam Sadiq Khan came back to Kabul. Mir Zaman Khan was unsuccessful and returned to Kunar. About fifteen days ago Ali Ahmad Khan the former Governor of Kabul went to open conversations with the Shinwaris, and is trying to effect a settlement with them through the Naqib of Surkhrud, but so far without any satisfactory result.

د پانو شمیره: له ۴ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

غازی میرزمان خان بعد از سقوط جلال آباد و اعلان پادشاهی علی احمد خان، میخواست به حمایت از امان الله شاه غازی لشکر جدیدی را آماده و از راه دره نور و لغمان خود را به کابل برساند. او درین باره با سران مهمند جرگه و مشوره نموده از آنها خواست تا آماده گی بگیرند، و خودش هم روانه اسمار شد، جائیکه یک غوند مجهز تحت اداره پسرش عصمت الله خان قرار داشت. او هنگام رفتن به شینگل و اسمار با پیشنهاد سران قومی مهمند که میخواستند با سه صدنفر مسلح او را همراهی کنند، موافقه نکرد و گفت که شاید همراهی سه صد نفر مسلح باعث سوء تفاهم و غلط فهمی شود. غازی میرزمان خان قبل از حرکت بطرف اسمار از رفتن اعلیحضرت امان الله خان به قندهار اطلاع یافته بود، و از همین سبب به پسرش غوندمشر عصمت الله خان در اسمار اطلاع داده بود تا از راه چمن به قندهار رفته، غازی امان الله خان را از پلانش مطلع ساخته و از او بخواهد تا از عجله کارنگیرد و از افغانستان خارج نشود.

غازی میرزمان خان بعد از مشوره با میا صاحب سرکانی که یکی از روحانیون و مجاهدین معروف ضد انگلیس و طرفدار امان الله خان و همکار نزدیکش بود، روانه اسمار شد. وی را درین سفر چند نفر از ملکان قریه «مروره» که همه غیر مسلح بودند، همراهی میکرد. آنها در قریه «مروره» دریای کنر را با جاله عبور نموده و در راه اسمار، قبل از رسیدن به دره شینگل، در منطقه «شینکورک» برای سپری نمودن شب و طرح پلان شان با متنفذین و سران قومی دره شینگل که اکثریت شان از حامیان و دوستان شان بودند، در منزل جناب سید شمس الدین خان مجروح، فرزند مرحوم سیدحضرت شاه خان یکی از روحانیون منطقه که بنام پاچا صاحب تیرگری (لغمان) معروف بود، توقف کردند.

مرحوم سید شمس الدین خان مجروح در خاطرات خود (صفحات ۴۹ و ۵۰) مینویسند که بعد از صرف طعام مهمانان را که به هفتاد نفر بالغ میشدحسب معمول به مهمانخانه ها و حجره های باشندگان قریه تقسیم کردیم و من در سراچه یا مهمانخانه خان صاحب با چهار پنج نفر محدود از همراهان او ماندم و به مشوره و کنکاش پرداختیم. مجروح صاحب مینویسد: «خان صاحب گفت که حالا نظام دولت از بین رفت و برای حفظ و امن منطقه باید تدابیر قومی و محلی گرفته شود. اسمار مرکز بسیار قوی و خوبی است مکزین و صندوق خزینه هم پر است ما و شما این وسایل را برای حفظ امن و آسایش منطقه بکار خواهیم برد و بنیاد یک مرکز اداری را قایم خواهیم کرد که به اتفاق خانواده شما (یعنی ما) و پشتیبانی و حمایت مومند و مردم دره مروه و مردم دره سیند بیا خواهد استاد. چغه سرای از دست رفته است ... به کمک مردم شینواری و ماموند خواهیم توانست در مناطق دیگر کنر هم اعمال نفوذ کنیم و یک مرکز اداری بوجود آریم. امان الله خان به قندهار رفته ممکن است بزودی برگردد و این آشوب خاتمه یابد. من هم نقشه و پلان او را دور از مصلحت ندیدم و موافقه کردم و بعد از او اجازه خواستم خانه برای استراحت بروم و خود او هم استراحت کند. او بمن گفت بعضی مردمان اوباش قریه تصمیم دارند بر من حمله کنند و شنیده ام آنها برای همدستان دیگر خود به قریه های دیگر قاصدان و خبررسانان فرستاده اند، ازین حرکت نباید غافل بود. من به او با خوشباوری یک جوان بی تجربه اطمینان دادم که کسی جرئت نخواهد کرد چنین کاری بکند و مصنوعیت خانه ما را خلل دار سازد. در وقت برآمدن بیرون مهمانخانه یکی از ریش سفیدان قریه ما که نظارت امور خانگی ما را هم میکرد به من گفت که چنین حرکت زشت از امکان بعید نیست و خوش بینی من بی مورد است... خودم به خوابگاه رفتم لحظه بعد صدای فیر تفنگ شنیدم و از بستر برجستم که طرف مهمانخانه بروم دیدم در بزرگ قلعه از طرف بیرون بسته و زنجیر شده است، به سر بام برآمدم و صدای غلغله و فیرهای تفنگ ها را زیادتیر شنیدم دیدم که راه برآمدن از سر بام موجود نیست، فرود آمدم در بین حویلی نا آرام و منتظر استاده ماندم که صدای گشودن در کلان بلند شد، به آنطرف دویدم آن ناظر امور ما را دیدم که در را گشوده گفت خانصاحب را متأسفانه کشتند و این شر ذمه قلیل اوباش به عجله کار خود را انجام دادند. بسیار متأسف و متأثر شدیم... فردای آن اسمار هم سقوط کرد و قوماندان عسکری اسمار به طرف چترال گریخت و عصمت الله خان پسر میرزمانخان مرحوم از راه دره دانگام بسوی ایالت دیر که از محروسات هند برتانوی بود، پناه برد.»

با کشته شدن غازی میرزمان خان، پلان های آینده او هم ازبین رفت، و غازی امان الله خان هم یک حامی و یک وطن دوست خسته ناپذیر ضد استعمار را از دست داد.

جنرال جورج مکمون یکی از جنرالان ارتش انگلستان در همان سال (۱۹۲۹) در کتاب خود «افغانستان از داریوش تا امان الله» (ص ۳۳۲) درین باره نوشت که ترور میرزمان خان یکی از رهبران برجسته مهمند های افغان که بر منطقه شمال دریای کابل و جلال آباد حاکمیت داشت و از حامیان مهم شاه بود، شکست جدی را برای داعیه شاه به بار آورد.»



کمشنر عمومی انگلیس ها برای ایالت سرحدی شمال غربی در تلگرام مؤرخ ۱۱ جنوری ۱۹۲۹ خود به وایسرای هند بریتانوی از کشته شدن میرزمان خان کنری به حواله چندین منبع اطمینان داد و نوشت که وی هنگام عبور با بیست نفر از همراهانش در نزدیکی شیگل درکنر علیا کشته شد.

### رفتن عصمت الله خان پسر غازی میرزمان خان به قندهار

عصمت الله خان بنا بر هدایت پدرش از طریق «دیر» وارد ملکنند شد و به معاون کمشنر ملکنند اطلاع داد که میخواهد از طریق چمن نزد امان الله خان به قندهار برود. معاون کمشنر او را به بهانه برای چند روزی معطل نموده و تحت نظارت قرار داد. او درین مدت به او از کشته شدن پدرش در شینکوپرک شیگل نیز اطلاع داد. عصمت الله خان بعد از چند روز اجازه یافت از طریق کویته سرحد چمن را عبور نموده نزد غازی امان الله خان به قندهار برود.

اینکه عصمت الله خان به محروسات هند بریتانوی پناه نبرده، بلکه مطابق به هدایت پدرش، غازی میرزمان خان کنری برای حمایت از غازی امان الله خان نزد وی به قندهار رفت، از اسناد آرشیف هند بریتانوی در لندن به اثبات میرسد. در صفحه ۳۷ راپور شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی انگلیس ها، میخوانیم که «رسیدن نمایندگان اقوام ولایات جنوبی و مشرقی و همچنان مناطق سرحد آزاد به قندهار اکنون آغاز شده است. در بین آنها امین الله خان، عبدالجبار خان (جبارخیل)؛ محمد حسن خان پسر سردار خان مومند؛ ملک غازی خان افریدی؛ عصمت الله خان پسر میرزمان خان؛ دری خان منگل و قلندر خان نمایندگان جاجی شامل اند. تمام آنها برای دادن اطمینان وفاداری از طرف اقوام شان آمده بودند و خواهان هدایت بودند. امان الله خان به منشی خصوصی خود هدایت داد تا فرمان های لازم را تهیه کند» این راپور علاوه میکند که به پسر میرزمان خان فرمان های برای ملک محصل خان مومند و اشخاص برجسته دیگر و صافی ها داده شد... پسر میرزمان خان با امان الله خان در قندهار ماند و فرمان های سپرده شده به او را بدست یکی از مستخدمین خود به ولایت مشرقی فرستاد. (۶) عصمت الله خان کنری تا وقت خروج غازی امان الله خان از افغانستان وی را همراهی میکرد.

بعد از کامیابی توطئه های انگلیس و سقوط رژیم امانی، عصمت الله خان نیز به کنر برگشت و بعد از مدتی در دوران صدارت محمد هاشم خان با بازماندگان دیگر غازی میرزمان خان کنری، که در دشمنی با استعمار انگلیس و در آخرین تلاش هایش برای استحکام پایه های رژیم امانی جام شهادت نوشیده بود، بدون هیچ اتهام و محاکمه روانه زندان شد. بیش از یکصد نفر از بازماندگان غازی میرزمان خان کنری که شامل اطفال و زنان بودند، برای مدت سیزده سال در زندان دهمزنگ و بعد از آن برای هشت سال در تبعید بسر بردند و درین دوران علاوه بر از دست دادن ۲۸ نفر از اعضای خانواده خود، بشمول محرومیت اطفال از درس و مکتب با مصاعب گوناگون دست و پنجه نرم کردند. (پایان)

-----

### مأخذ و منابع

۱. عبدالخالق اخلاص (۲۰۰۵). داستقلال خلورمه جبهه، چاپ دوم، ص ۱۰۴.
۲. ریه تالی سٹیوارت (۲۰۰۰). «Fire in Afghanistan» (آتش در افغانستان، ص ۴۲۲).
۳. شماره فوق العاده مؤرخ ۱۵ قوس سال ۱۳۰۷ جریده امان افغان.
۴. عبدالرحمن زمانی (۲۰۱۳). بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس، ص ۴۰۳.
۵. عبدالخالق اخلاص (۱۳۸۹). استقلال امانیه، صفحات ۱۰۹ تا ۱۱۰.
۶. اسناد محرمانه آرشیف لندن، راپور شیخ محبوب علی، سکرتر امور شرقی سفارت انگلیس در کابل تحت عنوان سقوط امان الله که توسط میجر رابرت نوئل سکات در ماه مارچ ۱۹۳۰ تهیه شده است. L/P&S/20/B 289.

د پانو شمیره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ